

To Explain The Architecture of Fortifications in the Hakim Nasser Khosrow Qbadyany's Logbook In The City Travels

Saeideh Hoseinyzade Mehrjardi¹
Asieh. Zabihnia Omran²

Abstract

In the year 1035 A.C Nasser Khosrow's dream of seeing Jose Janan He traveled continually to resolve the Hejaz trip lasted seven years. Book Travelogues, Outcomes Some information as to his architectural and urban communities Persian authentic texts has.

His science architecture was meant to read today about the journey of Some towns and urban fortifications and defensive systems of blood money, what they watch And heard, true or false, fact or fiction, and all the good or bad Record and talked about issues that were important at the timeThis article is a descriptive and analytical methods and data collection Through a library of documents and includes the following topics: types Blood of the fortifications and cities, the type of materials used in fortifications Details of its architecture, the impact of technical systems (or tactical) Attacks and Defense Architecture and Urbanism ...

Keywords: Nasser Khosrow, Fortifications , city walls, Gateways, the Congress, Crenate

1. Faculty Member Of Payame Noor university of yazd

2. Assistant Professor of Payam noor University

بررسی معماری استحکامات در سفرنامه ناصر خسرو

سعیده حسینی زاده مهرجردی^۱، آسیه ذبیح نیا عمران^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۷/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۰۷

چکیده

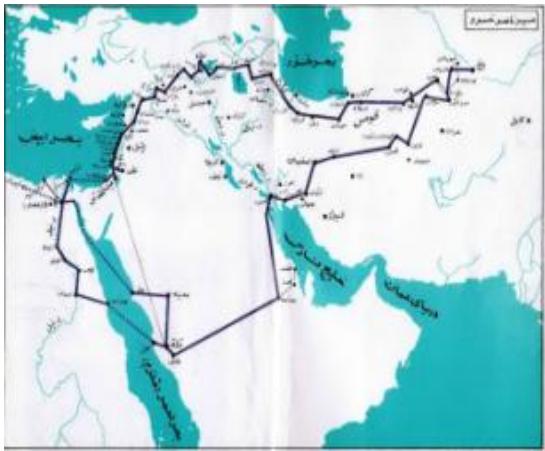
حکیم ناصر خسرو قبادیانی در سال ۴۲۷ ه.ق، بر اثر خوابی که در جوزجانان دید عزم سفر حجază کرد. سفر او هفت سال به طول انجامید؛ کتاب سفرنامه ره آورد است، که از حیث اطلاعات معماری و شهرسازی برخی جوامع از متون معتبر فارسی است. او علم معماری و شهرسازی به معنای امروزی را نخوانده بود، اما طی سفر، درباره نوع استحکامات و سیستم تدافعی شهری برخی شهرها و دیههای، هرچه را که دیده و شنیده، درست یا نادرست، واقعیت یا افسانه و خوش یا ناخوشایند، همه را ثبت و یادداشت کرده و از مسائلی سخن گفته که در آن دوران حائز اهمیت بود. این مقاله به شیوه توصیفی و تحلیلی نگاشته شده و روش گردآوری اطلاعات آن مبتنی بر ابزار کتابخانه‌ای است، که مباحث ذیل را شامل می‌شود: نوع استحکام بخشی شهرها و دیههای، نوع مصالح به کار رفته در استحکامات، جزئیات معماری استحکامات، برخی تزئینات به کار رفته در معماری آنها، تأثیر سیستم تکنیکی (و یا تاکنیتیکی) حمله و دفاع در معماری و شهرسازی.

کلیدواژه‌ها: سفرنامه، ناصر خسرو، دیوار شهر، باره، دروازه، جنگ‌گاه.

۱. عضوهایات علمی، گروه هنر و معماری، دانشگاه پیام نور یزد (نویسنده مسئول) archisad@pnu.ac.ir

۲. عضوهایات علمی، گروه ادبیات، دانشگاه پیام نور یزد asieh.zabihnia@gmail.com

مقدمه



شکل ۱. مسیر سفر ناصرخسرو
(مأخذ: وزین پور، ۱۳۵۴)

تذکره‌ها و سفرنامه‌ها منابع مهمی برای دیدن تصویرهایی از گذشته شهر و معماری هستند. (جباری، ۱۳۸۸: ۹۲) ناصر بن خسرو (۴۸۱-۳۹۱ ه.ق) از شاعران و نویسنده‌گان قرن پنجم زبان فارسی است؛ وی در قبادیان بلخ به دنیا آمد. در ابتدا به کار دبیری مشغول بود «و در دربار محمود و مسعود غزنی و مدتی نیز در دربار چغی بیگ سلجوقی، خدمت دیوانی کرد. در حدود سن چهل سالگی، تحولی در اندیشه وی روی داد که به تعبیر خود، از خواب چهل ساله بیدار شد.» (شعار، ۱۳۶۸: ۷) و به سفر هفت ساله پرداخت و شهرهای مختلف اسلامی را سیاحت کرد. او در مصر به اسماعیلیه پیوست و به بلخ بازگشت و به تبلیغ آیین اسماعیلی پرداخت، مخالفانش افرونی گرفتند، او به دره یمگان پناه برد و در همانجا، وفات یافت.

سفرنامه، گزارش سفر هفت ساله ناصر خسروست که با «انشایی روان» (بهار، ۱۳۶۹: ۱۵۲) و ساده به رشتہ تحریر در آمده است. همه نویسنده‌گان کتب تاریخ ادبیات فارسی بر این اتفاق نظر دارند که سفرنامه حاوی اطلاعات دقیق و معتبر است.

ناصرخسرو در سفر هفت ساله خود، چهار بار حج کرد و شمال شرقی، شمال غربی، جنوب غربی و مرکز ایران، ممالک و بلاد ارمنستان، آسیای صغیر، حلب، طرابلس، شام، سوریه، فلسطین، جزیر العرب، مصر، قیروان، نوبه و سودان و... (شکل ۱) را سیاحت کرد.

پیشینه تحقیق

تاکنون درباره سفرنامه ناصرخسرو چند مقاله منتشر شده است، اما درباره انواع استحکامات شهری و معماری در سفرنامه، تاکنون مقاله‌ای منتشر نشده است. برخی از مقاله‌ها در زمینه سفرنامه عبارت‌اند از: مقاله «بازار در سفرنامه ناصرخسرو احسن التقاسیم مقدسی»، از مینو امیرقاسمی که در سال ۱۳۸۲ در نشریه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز منتشر شد، هم چنین مقاله «اقتصاد در سفرنامه ناصرخسرو»، از آسیه ذیبح‌نیا که در سال ۱۳۸۹ در همایش ملی دانشگاه پیام‌نور مشهد ارائه و چاپ شد. مقاله «واحد اندازه‌گیری مسافت‌های بین شهری و درون شهری و ابعاد اینیه در سفرنامه ناصرخسرو» از سعیده حسینی‌زاده که در سال ۱۳۹۲ در نشریه تخصصی دانشوران چاپ شد.



شکل ۲. تصویری از شهر طلبیس در گذشته
(مأخذ: www.sehirler.ne)

البته مطالعه برخی از اسناد مشابه و تطبیق آنها با سفرنامه وی نیز صحت نظریات فوق را تأیید می-کند، به عنوان نمونه مطالعه اطلاعات تاریخی توصیف شده در باب شهر قزوین در رساله‌های صورالارض ابن حوقل و المسالک و الممالک اصطخری با مطالب ارائه شده توسط ناصر خسرو هماهنگی دارد، چنان که اصطخری در کتاب المسالک و الممالک که آن را براساس صورالاقليم بلخی در فاصله ۳۱۸ تا ۳۲۱ ه.ق. تأییف کرده است، می‌نویسد: قزوین شهری است و بارویی دارد... و کاریزی خرد برای آشامیدن» (ارباب، ۱۳۹۰: ۱۳) ابن حوقل نیز می‌نویسد: قزوین شهری است که قلعه‌ای دارد ... آب جاری قزوین اندک ... و این آب در قناتی ... جاری است.^۳ ناصر خسرو نیز در این باب چنین می‌نگارد: «و قزوین را شهری نیکو دیدم، باروی حصین ... آنکه آب در وی اندک بود و منحصر به کاریزها در زیر زمین.» (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۹)

^۳. به نقل از دبیر سیاقی، ۱۳۸۱: ۴۵-۴۶

معرفی معماری بلاد جهان در سفرنامه

هرچند تاریخ تألیف سفرنامه، کاملاً روشن نیست، اما تاریخ سیاحت در اماكن و شهرها و دیه‌های نامبرده کاملاً روشن است. این مجموعه حاوی اطلاعاتی در مورد معماری و شهرسازی برخی از این شهرها در عصر وی است که کامل‌ترین آنها مربوط به معماری و تکنیک ساخت استحکامات است، همچنین در مورد دیوار و برج و باره^۱ شهرها، بازارها، مساجد آدینه، اماكن زیارتی و سایر در اختیار خوانده قرار می‌دهد.

نویسنده سفرنامه با وجود اینکه علم معماری و شهرسازی به معنای امروزی را نخوانده و «دانش وی تنها در حد سیاق و نقاشی و شعر و ادب و لوازم دبیری بوده» (نظری، ۱۳۸۴: ۲) اطلاعات دقیق و جالبی در زمینه معماری و شهرسازی ارائه می‌دهد. وی برخلاف عامه مردم «دروغ نمی‌باشد^۲. بدین‌سان کتاب از لحاظ جغرافیای تاریخی و از جهت آشنایی به اوضاع و احوال جامعه‌ها و مراکز مهم تمدن اسلامی در روزگار مؤلف مزایای فراوانی» (وزین‌پور، ۱۳۵۴: ۱۹) دارد، چراکه خود در پایان سفر اعلام می‌دارد «و این سرگذشت آنچه دیده بودم به راستی شرح دادم و بعضی که روایت‌ها شنیدم...» (همان: ۱۲۵).

۱. باره: دیوار قلعه. (دهخدا، ۱۳۶۲: ذیل واژه)

۲. در بخشی از سفرنامه ناصرخسرو به حدیث «قولوا الحق و لو علی افسکم» اشاره می‌کند و به این ترتیب صداقت خود را در نوشته‌هایش ابراز می‌دارد.

ری، قزوین، خرزویل^۴، سفید رود، سراب، تبریز، مرند^۵، خوی^۶ گذر کرده است.
پس از آن وارد ترکیه امروزی شده و از وان، وسطان، اخلاط که هر سه در نزدیکی سواحل دریاچه وان قرار داشتند یاد می‌کند. از شهر بطليس^۷، بطليس^۸، ارزن^۹، میافارقین^{۱۰}، آمد^{۱۱} نیز گذشته و آنها آنها را توصیف می‌نماید. مثلاً در مورد شهر بطليس می‌نویسد: «از آنجا به بطليس رسیدیم. به دره‌ای در نهاده بود... قلعه‌ای دیدیم که آن را «قف انظر»^{۱۲} می‌گفتند...». (شکل ۳)



شکل ۳- تصویری از شهر بطليس امروز واقع در یک دره

(مأخذ: www.ogrensek.com)

- ۴. خرزویل: نام قصبه‌ای نزدیک دهستان منجیل سفیدرود. (صاحب، ۳۴۵: ذیل واژه)
- ۵. مرند: یکی از شهرهای استان آذربایجان شرقی و مرکز شهرستان مرند است.
- ۶. خوی: از شهرهای استان آذربایجان غربی ایران و مرکز شهرستان خوی است.
- ۷. بطليس: بتليس یا بدليس یکی از شهرهای ترکیه و مرکز استان بتليس است. (معین، ۱۳۵۶: ذیل واژه)
- ۸. ارزن: نام شهری در ولایت دیاربکر، نزدیک رود دجله در میافارقین (دیاربکر یا آمد) یکی از شهرهای کردستان ترکیه است.
- ۹. میافارقین یک شهر باستانی در نزدیکی دیار بکر، در کشور ترکیه بود. این شهر امروزه شهر سیلوان نامیده می‌شود. (پاشا، ۱۳۳۵: ذیل واژه)
- ۱۰. آمد از قدیم شهر مهم و عمدت‌های در جنوب شرقی ترکیه بود که در بستر و جلگه‌های رودخانه دجله واقع بود و مرکز ایالت دیاربکر بود.
- ۱۱. یعنی بایست بنگر.

او همچنین برخلاف برخی دیگر از نویسنده‌گان که روش و شیوه مناسبی برای ارائه یک موضوع به کار نمی‌گیرند، از روشی استفاده کرد که به ویژه در بررسی مسائل جغرافیایی کاربرد دارد: یعنی به شهرها و مکان‌هایی که داخل می‌شد، به دقت مشاهده می‌کرد، می‌پرسید، اندازه می‌گرفت، می‌نوشت و شرح می‌داد و بدین سان است که وصف شهرهایی مانند دیاربکر، بیت‌المقدس، مکه و قاهره در هزار سال پیش از این به دست ما رسیده است. لازم به ذکر است که با توجه به توانی که وی در هنر نقاشی داشته و دقتی که در توصیف استحکامات شهری بلاد جهان و حتی «معماری مساجد و برخی مکان‌ها به کاربرده چنین توجهی را به معماری و وضعیت بازارها معطوف نکرده است.» (امیرقاسمی، ۱۳۸۲: ۳۶)

در این مقاله سعی شده به ویژگی استحکامات شهری در بلاد مختلف عصر ناصرخسرو از دیدگاه مشاهدات او بررسی و تبیین شود.

بلاد مورد اشاره در سفرنامه

ناصرخسرو که سفر خود برای حج را از مرwo^۱ آغاز کرده در طی مسیر سفر از ایران^۲ به عنوان نقطه آغاز سفر و شهرهای سرخس، نیشابور، قومس^۳، دامغان،

- ۱. مرwo: از شهرهای بزرگ و آباد خراسان قدیم اکنون در ترکمنستان. (معین، ۱۳۵۶: ذیل واژه)
- ۲. لازم به ذکر است که این دسته‌بندی مکانی براساس موقعیت‌های جغرافیایی فعلی تنظیم شده است.

- ۳. قومس: واقع در دامنه کوه‌های طبرستان که این ایالت شامل سمنان، دامغان، شاهرود، بسطام و سرخه بود. (خلف تبریزی، ۱۳۴۲: ذیل واژه)

در طی مراحل چندگانه سفر خود از راه خشکی به مصر رفته و در بازگشت از راه دریا به سرزمین^۴ مصر وارد شده و به گفته خود بسیار بسیار شهرها و دیه‌ها دیده بدین شرح که خود به تفصیل آورده است، شهرهایی چون: رمله^۵، عسقلان^۶، تئیس^۷، اسکندریه، قیروان^۸، مهدیه^۹، مهدیه^۰، اندلس، سقليه، قاهره. در بین شهرهای یاد شده برخی از آنها متعلق به ایتالیای امروز (مثل جزیره سقليه یا سیسیل) و برخی متعلق به اسپانیای امروز (مثل اندلس)، برخی در فلسطین اشغالی امروز (مانند عسقلان و رمله) و برخی از آن متعلق به مصر امروز (مثل اسکندریه، قاهره، مصر) است که در زمان ناصرخسرو همانگونه که خود به آنها اشاره می‌کند، و بدین تاریخ به دست

مسیر بعدی سفر ناصرخسرو بین‌النهرین در سرزمین عراق فعلی است. وی از شهرها و دیه‌های حران^۱ و سروج^۲ نام می‌برد. پس از آن شهرهای سوریه، لبنان و فلسطین امروزی را نام می‌برد و به ویژگی‌های معماری و شهرسازی برخی از آنها اشاره می‌کند. شهرها و دیه‌هایی چون حلب^۳، طرابلس، طرابزون، جبل، بیروت، صیدا، صور، عکه، حیفا، قیساریه، رمله، بیت‌المقدس. در نهایت وارد حجاز شده و در طی سفر چهاربار به حج مشرف شده و از شهرهای مگه، مدینه، اسیوط، قوص، اخیم، اسوان، عیذاب، جده گذر می‌کند.



شکل ۴. دورنمایی از استحکامات و حصار و باروی دیار بکر (www.yurtgundemi.com)

^۴. به تعبیر خودش ولايت مصر
^۵. رمله: قسمت مرکزي فلسطين اشغالی امروزی نزديک تل آويو.
آويو.

^۶. عسقلان: يا اشکلون نام شهری بتری در کنار دریای مدیترانه و در استان جنوبي فلسطین اشغالی است. (معین، ۱۳۵۶: ذيل واژه)
^۷. تئیس نام یونانی شهر باستانی جات در شمال خاوری دلتای دلتای نیل در مصر می‌باشد. این شهر در کنار شاخه قهقهه‌ای نیل جای‌گرفته است. این شهر به مدت طولانی پایتخت مصر بود تا اینکه در سده ششم میلادی سیلاپ دریاچه منزله باشندگان آن را تهدید کرد. پس این شهر خالی از مردمان شد و ساکنش شهر تئیس را در نزدیکی آن ساختند و در آن جاگیر شدند. (انجوى شيرازي، ۱۳۵۱: ذيل واژه)

^۸. قیروان: از شهرهای مهم و تاریخی کشور تونس است. این شهر مرکز استان قیروان در تونس است و نخستین شهری است که اعراب مسلمان در سال ۶۷۰ میلادی در تونس بنا نهادند. (پاشا، ۱۳۳۵: ذيل واژه)

^۹. مهدیه: شهری است در تونس که پایتخت امپراتوری فاطمی در شمال آفریقا بود. (معین، ۱۳۵۶: ذيل واژه)

۱. حران: شهری باستانی در بین‌النهرین در قسمت جنوب شرقی ترکیه که منزل ابراهیم پیغمبر بود.
۲. سروج: شهر اکدی و محلودهای به نام سروج در غرب حران که براساس یوپیل، نخست نام آن روح (عربی: روح ۱۴۸۶) بوده است و پس از بنای شهر اور نامش به سروج تغییر یافته است. (دهخدا، ۱۳۵۲: ذيل واژه)
۳. حلب: این شهر در زمان ناصرخسرو باجگاه (گمرک خانه) میان بلاد شام و روم و دیار بکر و مصر و عراق بوده است. (همان: ذيل واژه)

معلومات و تجربه کلی نسبت (سیستم) حمله و دفاع ریخته می‌شد تا سنت‌های محلی.» (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۱) مطالعات باستان شناختی نشان می‌دهد در «شهرهای قرون اولیه تا میانی اسلام، برج و بارو و حصار و ارگ از عناصر اصلی بافت شهر محسوب می‌شدند.» (تقوی، ۱۳۸۹: ۱۱) از این نظر در ادامه ضمن تعریف استحکامات به بررسی مهم‌ترین عناصری که کاربرد بیشتری در متن سفرنامه ناصرخسرو دارد پرداخته خواهد شد:

۱. استحکامات: «ساختمان‌های دفاعی که از بد و پیدایش جنگ‌های متشكل به وجود آمد.» (صاحب، ۱۳۴۵: ذیل واژه) ساختمان‌ها، سنگرهای خاکریزها، و مانند آن که برای هدف‌های دفاعی ایجاد می‌شدند. (انوری، ۱۳۸۳: ذیل واژه) اینهایی از قبیل قلعه‌ها و برج‌ها که برای دفاع از شهر یا قصبه‌ها می‌کردند. (دهخدا، ۱۳۶۲: ذیل واژه)

۲. بارو: دیوار گردآگرد یک شهر یا دژ (انوری، ۱۳۸۳: ذیل واژه) دیوار قلعه، حصار. (معین، ۱۳۵۶: ذیل واژه) میان بارو و سایر استحکامات کهن مرسوم در ایران که برای محافظت قسمت‌های مختلف قلعه ساخته می‌شد باید فرق نهاد.» (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۰)

- نمونه در سفرنامه: چهار باروی قوی از پس یکدیگر در گرد او کشیده است. (ناصرخسرو، ۱۳۵۶: ۱۰۵)

۳. باره: «دیوار و حصار قلعه و شهر را گویند. دیوار درون حصار.» (دهخدا، ۱۳۶۲: ذیل واژه)

سلطان مصر بود، از توابع مصر به شمار می‌آمدند. (ناصرخسرو، ۱۳۵۶: ۵۱)

در راه بازگشت از سفر، از طایف، ناحیه فلچ، شهر یمامه، شهر لحسا، ولایت عمان، بصره و ابله و عبادان^۱، خشاب^۲، مهروبان^۳، ارجان^۴، لودرغان، لودرغان، خان لنجان^۵، اصفهان، نایین، طبس، تون، قاین، سرخس، مر والرود، فاریاب و بلخ گذر نموده و به موطن خود باز می‌گردد.

تبیین اصطلاحات تخصصی حوزه استحکامات

شهری متن سفرنامه

ناصرخسرو به کرات در متن سفرنامه از برخی لغات یا اصطلاحات تخصصی در حوزه معماری یا شهرسازی استفاده کرده که بررسی و تدقیق لغوی آنها جهت تطبیق ویژگی عناصر از حیث معماری در عصر ناصرخسرو و شرایط کنونی مؤثر خواهد افتاد. از سویی در روزگاران گذشته شهرها و «طرح‌های ساختمانی» بیشتر براساس

۱. عبادان: نام آبادان تا پیش از ۱۳۱۴ که به پیشنهاد فرهنگستان ایران و تصویب دولت، تلفظ و رسم الخط امروزی را پیدا کرد، به شکل عبادان خوانده و نوشته می‌شد. همچنین باید دانست که عبادان از ولایات تابعه بصره به شمار می‌آمده است. البته راه «بصره - عبادان» به طور جزئی، چنین بود که از بصره تا ابله، دو برید (پیک)، سپس تا «بیان» یک مرحله، و بعد تا عبادان یک مرحله دیگر راه بود. (معین، ۱۳۵۶: ذیل واژه)

۲. خشاب (اندیمشک): روستایی از توابع بخش الوار گرسیزی شهرستان اندیمشک در استان خوزستان ایران است.

۳. مهروبان یا مهرویان بندر قدیمی و تاریخی در کوره قباد فارس قدیم بوده است. موقعیت کنونی مهرویان در قریه امامزاده عبدالله فعلی و از توابع شهرستان هندیجان استان خوزستان می‌باشد.

۴. ارجان: یکی از شهرهای فارس است نزدیک خوزستان. (احتمالاً همان بهبهان باشد)

۵. خان لنجان: شهرستان مبارکه امروز در استان اصفهان.

- نمونه در سفرنامه: در فصلی بباید رفت تا به دروازه سور دوم رستند. (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۱)
- ۱۱. کنگره:** داندانه‌های بالای دیوار شهر. (معین، ۱۳۵۶: ذیل واژه)
- نمونه در سفرنامه: «و کنگره بر آن نهاده و بازارهای خوب» (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۵)، از مشاهده آثار سکونت گاههای نحس‌ترین در ایران پیداست که شکل آنها به موازات پیشرفت سلاح‌های تهاجمی و تدافعی تکامل یافته است. در دوران پیش از تاریخ و اوایل دوران تاریخی نوعی استحکامات عموماً تابع مقتضیات ناشی از محل قلعه یا دهکده و اوضاع طبیعی سرزمین بود. در همه دوره‌ها استحکامات را در مرتفع‌ترین نقطه بنا می‌کردند تا به سبب وجود شبیه‌های تن‌تپه یا کوه، دستیابی به آن دشوار باشد و مدافعان هم در بالا قرار گیرند و از لحظه دید مسلط باشند.» (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۱-۴۲) این روش استحکام بخشی شهر که جنبه تدافعی داشته در سفرنامه ناصرخسرو به خوبی توصیف شده است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

تبیین انواع استحکامات شهری از نگاه ناصرخسرو

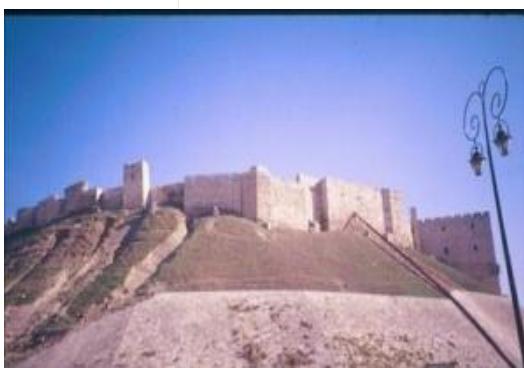
در شهرسازی بسیاری از بلاد کهن، از استحکامات شهری جهت دفاع از شهرها استفاده می‌کردند. این آثار معماری شهری و متأثر از تمدن هر سرزمین، دارای اجزای کوچک و بزرگی بوده که ناصرخسرو تا حدودی به بررسی

- نمونه در سفرنامه: «باره‌ای عظیم داشت از سنگ سفید برشده.» (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۰)
- ۴. بلاد:** «شهرها، ناحیه‌ها، نواحی، این کلمه برای افاده مفهوم مملکت و کشور به کار می‌رود.» (معین، ۱۳۵۶: ذیل واژه)
- نمونه در سفرنامه: شهر باجگاه است میان بلاد شام و روم و (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۳)
- ۵. جنگ‌گاه:** «جایی در بالای دیوار قلعه‌ها برای تیراندازی و جنگ.» (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۶)
- نمونه در سفرنامه: «بر سر هر برجی جنگ‌گاهی ساخته.» (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۱)
- ۶. در:** دروازه. (همان: ۱۷۲)
- ۷. سور:** دیوار، باره شهر (همان: ۱۷۲) «دیواری که در اطراف شهر می‌کشیدند، حصار (سخن)، باره، گردآگرد شهر.» (معین، ۱۳۵۶: ذیل واژه)
- نمونه در سفرنامه: «و بیرون این سور، سوری دیگر است.» (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۱)
- ۸. شارستان:** «(مقابل ربع)، قسمت اصلی شهرهای قدیم که بر گردآگرد کهن‌دز (قلعه حکومتی) ساخته می‌شد ... بر گردآگرد شارستان حصار می‌کشیدند و خارج از حصار را ریض می‌گفتند.» (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵۹)
- ۹. شرفه:** کنگره قلعه و بام (دهخدا، ۱۳۵۲: ذیل واژه)
- ۱۰. فصیل:** دیوار کوچک درون حصار یا باره شهر. (همان: ذیل واژه)

انواع استحکامات شهرها و دیهای و قصبه‌هایی از شرق و غرب که ناصرخسرو در طی این سفر هفت ساله آنها را مشاهده نموده و طی مشاهداتش به توصیف و ثبت ویژگی‌های معماری آنها پرداخته به شرح ذیل قابل تقسیم است:

۱. قلاع در سفرنامه

قلاء در شهرها و دیهای از مهم‌ترین استحکامات شهری است که ناصرخسرو آنها را معرفی کرده است. او در بخش‌هایی از متن سفرنامه به ولایت طارم اشاره کرده می‌نویسد: «و به کنار شهر قلعه‌ای بلند، بنیادش بر سنگ خاره نهاده، سه دیوار بر گرد او کشیده» (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۶) و در رابطه با قلعه شهر حلب: «... و قلعه‌ای عظیم همه بر سنگ نهاده». (همان: ۱۳) محل ارگ یا قلعه در بعضی از شهرها در مرحله نخستین احداث قلعه به گونه‌ای بود که حداقل یک ضلع قلعه در لبه خارجی حصار شهر قرار داشت. (سلطانزاده، ۱۳۸۵: ۱۵۱) قلعه‌ها، گاه دروازه مخصوص به خود داشتند که یک یا چند دروازه آن در داخل شهر بود.

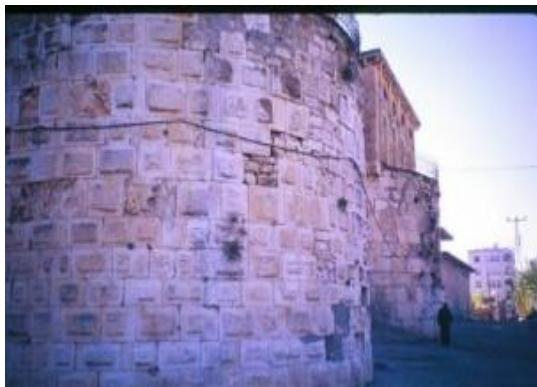


شکل ۵. قلعه شهر حلب
(مأخذ: www.iranboom.ir)

برخی از این اجزاء نیز پرداخته است. آنچه از متون سفرنامه وی بر می‌آید حاکی از آن است که عموماً شهرهایی دارای استحکامات هستند که هم آبادان و دارای باغات و امکانات بسیار بوده و هم از امنیت لازم برخوردار بودند. وی در توصیف شهر لحسا می‌نویسد: «و شهری جلیل در میان این حصار نهاده است با همه آلتی که در شهرهای بزرگ باشد. در شهر بیش از بیست هزار مرد سپاهی باشد.» (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۰۵) لذا اشاره می‌نماید که: «لحسا شهری است که همه سواد^۱ و روستاهای او حصاری است و چهار باروی قوی از پس یکدیگر در گرد او کشیده است از گل محکم.» (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۰۵) و یا در توصیف شهر اصفهان: «و من در همه زمین پارسی گویان شهری نیکوتر و جامع‌تر و آبادان‌تر از اصفهان ندیدم.» (همان: ۱۱۸) و در مورد استحکاماتش نیز: «و شهر دیواری حصین بلند دارد و دروازه‌ها و جنگ گاه‌ها ساخته و ...». (همان: ۱۱۷) در مورد شهر تون می‌نگارد: «و بر جانب شرقی باغ‌های بسیار بود و حصاری محکم داشت.» (همان: ۱۲۰) و همین طور در مورد سایر شهرهایی که از استحکامات آنها یاد می‌کند. او همچنین به شهر سرمن اشاره می‌کند که بدون بارو است و توضیح قابل توجه دیگری در مورد شهر ارائه نمی‌دهد و به نظر می‌رسد شهر چندان آبادی نبوده و گرنه ناصرخسرو از وصف آن دریغ نمی‌نمود چنانکه در مورد سایر شهرها قصور نداشته است.

۱. سواد: آبادی‌های اطراف شهر.

و گرد شهر گردانیده» (همان: ۲۲)، همچنین در مورد شهر تون: «... و حصاری محکم داشت.» (همان: ۱۲۰)



شکل ۶. باروی شهر میافارقین
(مأخذ: www.iranboom.ir)

وی در اشارات خود به برخی از این حصارها به دو لایه بودن دیوار که می‌توان دیوار بیرونی و درونی نام‌گذاری کرد تأکید می‌کند: «و بیرون این سور، سوری دیگر است.» (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۱) و گاه تعداد این دیوارهای حصار را بیش از این برمی‌شمارد مثل شهر لحسا، «... آن چهار باره دارد.» (همان: ۱۰۷)

برخی از این دیوارها و باروها دارای تزئینات کنگرهای بود، مثل شهر میافارقین: «و سر باره همه کنگره بربناده» (وزینپور، ۱۳۵۴: ۱۰) و شهر اصفهان: «... و بر همه بارو کنگره نهاده.» (همان: ۱۱۸)

۳. دروازه

معرفی دروازه‌های متعدد در شهرهای مختلف که معمولاً تعداد آنها از دو عدد بیشتر است از دیگر

۲. بررسی انواع حصارها در سفرنامه حصارها و فضاهای پیرامونی آنها از عناصر مهم کارکردی شهری به شمار می‌آمدند و به سبب موقعیت و نقش ارتباطی خاصی که داشتند، مکان استقرار و جریان برخی از فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز محسوب می‌شدند. البته همه عناصر حفاظتی شهر دارای خصوصیات کالبدی و کارکردی یکسانی نبودند. حتی ناصرخسرو نیز در نوشته‌هایش به این موضوع اشاره می‌کند. این حصارها در متون سفرنامه تحت عنوانیں «باره، بارو، سور، حصار و دیوار» مورد توصیف قرار گرفته‌اند. نکته حائز اهمیت در این خصوص آن است که به ویژگی‌های معماری این حصارها نیز اشاره می‌کند، چنانکه می‌نویسد: شهر میافارقین «باره‌ای عظیم داشت از سنگ سفید برشده^۱، هر سنگی مقدار پانصد من^۲» (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۰)، یا در جایی دیگر اشاره می‌کند: «و قزوین را شهری نیکو دیدم، باروی حصین^۳ و کنگره بر آن نهاده و بازارهای خوب» (همان: ۵)، همچنین: «بنیاد شهر بربنده است از صد منی تا یک هزار منی.» (همان: ۱۰) در مورد شهر اربل می‌نویسد: «و این شهر را دیوار حصین است، چنان که از لب دریا گرفته‌اند

۱. برشده: ساخته شده.

۲. من: از واحدهای وزن قدیمی ایرانی. (ملکی، ۱۳۵۸: ۲۹۴)

۳. حصین: مستحکم. (معین، ۱۳۵۶: ذیل واژه)

۴. یک لخت: یک پارچه. (همان: ذیل واژه)

آن شهر باجگاه^۴ است میان بلاد شام و روم و دیاربکر و مصر و عراق. و از این همه بلاد، تجار و بازرگانان آنجا روند. و چهار دروازه دارد...» (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۳) او به شهرهای مستحکم عیذاب و مهروبان نیز به عنوان باجگاه اشاره می‌کند. از آنجا که یکی از منابع مهم کسب درآمد در گذشته وصول مالیات و عوارض از کالاهای وارداتی و صادراتی بوده، گاه چنین عوارضی «در کنار دروازه‌ها از بازرگانان و صاحبان کالاهای تجاری دریافت می‌شد.» (سلطانزاده، ۱۳۸۵: ۱۴۵)

۴. برج

برج‌ها از عناصر مهم کارکردی دروازه‌ها به شمار می‌آمدند که معمولاً در اطراف دروازه‌ها ساخته می‌شدند و «در روی آنها مأموران مواقبت از شهر را به عهده داشتند و در هنگام جنگ از بالای آنها به سوی دشمن تیراندازی می‌کردند». (سلطانزاده، ۱۳۸۵: ۱۵۹) بر روی برج‌ها گاه از عناصر تزئینی و کارکردی خاص جهت حمله یا دفاع استفاده می‌کردند که ناصرخسرو هم به آنها اشاراتی داشته است، «شهر آمد... به هر صد گز^۵ برجی ساخته که نیم دایره آن هشتاد گز باشد و کنگره او هم از این سنگ^۶ ... و بر سر هر برجی جنگ گاهی ساخته.» (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۱)

۴. باجگاه: محل وصول عوارض، گمرک خانه. (ملکی، ۱۳۵۸: ۷۲)

۵. گز: واحد طول در قدیم معادل ۲۴ انگشت. (نشاط، ۱۳۶۸: ۱۰۴).

۶. منظورش سنگ سیاه است که در سطور قبل متن آمد به آن اشاره می‌کند.

بخش‌های معرفی استحکامات مورد بحث است، وی در وصف شهر آمد می‌گوید: «و چهار دروازه بر این شهر است همه آهن بی چوب، هر یکی روی به جهتی از جهات عالم.»^۱ (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۱) در اشاره به شهر صیدا نیز می‌نویسد: «بارهای سنگین^۲ و محکم دارد و سه دروازه و مسجد آدینه خوب.» (همان: ۲۲) وی حتی به شهرهایی اشاره می‌کند که دارای دروازه بوده اما دیواری گردآگرد شهر ندارند: «شهر قاهره پنج دروازه دارد... و شهر بارو ندارد.» (همان: ۵۵)

وی دروازه‌ها را به دو جزء بیرونی و درونی تقسیم می‌کند: «و این سور بیرون را نیز دروازه‌های آهنهای بر نشانده‌اند مخالف دروازه‌های اندرونی، چنان که چون از دروازه‌های سور اول روند مبلغی^۳ در فضیل باید رفت تا به دروازه سور دوم رستند.» (همان: ۱۱) به ظاهر جهت برقراری امنیت بیشتر در شهر (چنان که وی اشاره می‌کند) دروازه‌های دو حصار بیرونی و درونی که به ترتیب دارای دروازه‌های اصلی (شارستان) و فرعی (ربض) بودند در رو به روی یکدیگر قرار نداشتند.

دروازه‌ها دارای کارکردهای گوناگون داشتند. کارکرد ارتباطی، و دفاعی و امنیتی آنها مهم‌ترین کارکرد دروازه بود، اما به غیر از آن به لحاظ اقتصادی و اجتماعی نیز دارای اهمیت بودند. به عنوان مثال ناصرخسرو به یکی از کارکردهای اقتصادی دروازه در شهر حلب اشاره می‌کند، «و

۱. منظور چهار جهت شرق و غرب و شمال و جنوب است.

۲. سنگین: سنگی.

۳. مبلغی: مقداری.

بارو قوی‌تر و عالی‌تر است.» (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۱) به مناره اسکندریه نیز به عنوان نماد تدافعی اشاره می‌کند، «و آنجا مناره‌ای است که من دیدم آبادان بود به اسکندریه و آنجا یعنی بر آن مناره، آینه‌ای حرّاقه^۳ ساخته بودند که هر کشتی رومیان که از استنبول می‌آمدی، چون به مقابله آن رسیدی آتشی از آن آینه در کشتی افتادی و بسوختی.» (همان: ۵۱)

۷. استفاده از عناصر طبیعی جهت استحکام بخشی شهر

او همچنین به شهرهای ساحلی اشاره می‌کند که سمت دریای آن شهر بدون استحکامات است و به نوعی استفاده از ساحل دریا (عنصر طبیعی) بخشی از استحکامات شهر به حساب می‌آمد، «... به شهر جبيل رسیدیم، و آن شهری است مثلث، چنان که یک گوشه آن به دریاست و گرد وی دیواری کشیده بسیار بلند...» (همان: ۱۷) یا در مورلا بصره «... به شهر بصره رسیدیم. دیواری عظیم داشت الا آن جانب که با آب بود دیوار نبود.» (همان: ۱۰۸)

وی همچنین به ژرفای زمینی اشاره می‌کند که همچون خندقی طبیعی برای شکل‌گیری شهر نوعی استحکام بخشی محسوب می‌گردد: «... وادی است عظیم ژرف و در آن وادی - که همچون خندقی است - بناهای بزرگ است بر نسق پیشینیان.» (همان: ۲۷) در مورد شهر مکه می‌گوید که از کوه اطراف شهر به عنوان

وی به عناصر جنگی چون عرّاده^۱ و مقاتلات^۲ در جوار برج‌ها و دیوار شهر سخن به میان می‌آورد، چنان که در مورد شهر طرابلس می‌نویسد: «...و کنگره‌ها و مقاتلات هم چنین، و عرّاده‌ها بر سر دیوار نهاده.» (همان: ۱۱)

۵. خندق

«پیرامون حصار بیشتر شهرهای متوسط و بزرگ و گاه کوچک خندقی وجود داشت که معمولاً در هنگام خطر در آن آب می‌انداختند تا مهاجمان نتوانند به شهر دسترسی پیدا کنند.» (سلطانزاده، ۱۳۸۵: ۱۶۴) این تکنیک که بیشتر در سرزمین‌های فارسی زبان از آن استفاده می‌شد نیاز به آب فراوان داشت. لذا در مناطق کم آب ابعاد خندق و به خصوص عمق آن را تغییر می‌دادند تا در موقع دفاع قابل استفاده باشد. برای عبور از آنها گاهی از پل‌های چوبی یا آهنی که در رو به روی دروازه‌ها تعییه می‌شد، استفاده می‌کردند. ناصرخسرو به خندق اطراف شهرستان قائن، و خندق سمت خشکی در شهر طرابلس اشاره می‌کند.

۶. استفاده از خود بنها جهت استحکام بخشی شهر

ناصرخسرو با اشاره به شهر قاهره می‌نویسد: «و شهر بارو ندارد، که بنها چنان مرتفع است که از

۱. عراده: آلتی جنگی کوچک‌تر از منجیق که در جنگ‌های قدیم برای پرتتاب سنگ به کار می‌بردند.

۲. مقاتلات: جنگ گاهها. (معین، ۱۳۵۶: ذیل واژه)

(برخلاف امروز که این مرزبندی‌ها اختصاص به سرزمین‌ها و کشورها دارد).

- نوع و میزان استحکام‌بخشی شهرها به میزان امنیت هر شهر و دیه بستگی داشته چنان‌که برخی شهرها دارای چند بارو و برخی شهرها بدون استحکامات بوده است.
- بنا بر نوشته ناصرخسرو، نخستین کارکرد استحکامات شهرها مربوط به کنترل آمد و شدها و محدود ساختن راه‌های ورود و دسترسی به شهر و انحصار رفت و آمد به دروازه‌ها بوده است. انواع حصارهای بیرونی و درونی و چند لایه بودن آنها حاکی از این مطلب است.
- منطبق با متن سفرنامه، دروازه‌های بیرونی و درونی که دارای کارکردهای مهم ارتباطی (ارتباط راه‌ها با هم و با شهر)، دفاعی، اقتصادی و اجتماعی هستند به لحاظ کارکردی در دسته دوم استحکامات شهری قرار می‌گرفند.
- برج‌های پیرامون حصار شهر یا برج‌های اطراف دروازه‌ها و نیز خندق‌های پیرامون شهر و حصار به عنوان استحکامات شهری معروف شده‌اند. برج‌ها جهت دفاع از شهر در مرحله‌ای که شهر مورد حمله قرار گرفته و خندق جهت ایجاد مانع در راه پیش‌روی و دسترسی سریع دشمن به شهر مهم‌ترین عناصر تدافعی این استحکامات یا قلعه‌ها به شمار می‌رفند، اما برخی از شهرها یا دیه‌ها خود دارای قلعه‌های نظامی بودند که سیستم دفاع و حمله را در موقع جنگ یا کشورگشایی تعریف می‌کردند که ناصرخسرو هم به آنها اشاراتی داشته است. استفاده از عناصر معماری مثل دیوارهای بلند

استحکامات استفاده می‌کردند و هر کجا شکافی در کوه وجود داشته جلوی آن را با استحکامات مسلح می‌کردند، «... و هر کجا رخنه‌ای به میان کوه در است دیوار باره ساخته‌اند و دروازه بر نهاده». (ناصرخسرو، ۱۳۵۶: ۸۶).



شکل ۷. حصار و دیوار شهر جبل
(www.iranboom.ir)
مأخذ:

بحث و نتیجه‌گیری

ناصرخسرو از علم معماری و شهرسازی به معنای امروزی آشنا نبوده و از سیستم دفاعی شهرها و قصبات اطلاعات زیادی نداشته است، اما با تکیه بر دیده‌ها و شنیده‌ها یا به اصطلاح امروز با مطالعه میدانی (و مشاهده و مصاحبه) از نکات بسیار دقیق و ظریفی در باب استحکامات شهری و معماری و شهرسازی برخی ولایات و شهرها سخن گفته است. به طورکلی از مباحث مطرح شده در مقاله نتایج ذیل حاصل می‌شود:

- در سفرنامه ناصرخسرو، اغلب شهرهای آبادان و دارای ثروت و جمعیت بسیار دارای استحکامات قوی بودند.
- مرزبندی با استحکام‌بخشی هر شهر و یا دیه و قصبه به صورت مجزا انجام می‌شده است.

- اسلامی». دوفصلنامه مطالعات اجتماعی ایران. شماره ۱۱. ص ۱۵-۶.
- توكلی صابری، محمدرضا (۱۳۹۲). «پا به پای ناصرخسرو بر جاده ابریشم». www.iramboom.ir
- جبانی، فریبرز (۱۳۸۸). «سفر در تاریخ با ناصرخسرو». فصلنامه جستارهای شهرسازی. شماره ۳۰. ص ۹۲.
- حسینی‌زاده، سعیده؛ میرنژاد، سیدعلی (۱۳۹۲). «واحد اندازه‌گیری مسافت‌های بین شهری و درون شهری و ابعاد اینیه در سفرنامه ناصرخسرو». یزد. نشریه دانشوران. سال سوم. ش. ۴. ص ۶۷.
- خلف تبریزی، محمدحسین (۱۳۴۲). برهان قاطع. به اهتمام محمد معین، تهران: ابن سیا. دبیرسیاقی، سیدمحمد (۱۳۸۱). سیر تاریخی شهر قزوین از آغاز تا سال ۱۳۲۰ه.ش. قزوین: اداره کل میراث فرهنگی استان قزوین.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۲۵-۶۲). لغتنامه. تهران: چاپخانه مجلس و دانشگاه تهران.
- ذیح‌نیا عمران، آسیه (۱۳۸۹). اقتصاد در سفرنامه ناصرخسرو. (زلف سخن) مشهد. نخستین همایش ملی ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور. به کوشش محمدجواد عرفانی بیضائی. ج ۱. ص ۳۶۵.
- شعار، جعفر (۱۳۶۸). گزیده قصاید ناصرخسرو. تهران: علمی.
- شیرازی، انجو (۱۳۵۱-۱۳۵۴). فرهنگ جهانگیری. ویراسته رحیم عفیفی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- محمدپادشاه، محی‌الدین محمد (۱۳۳۵). آندراج. زیر نظر محمد دبیرسیاقی. تهران: خیام.

محیط بر شهر یا دیگر تدابیر معمارانه نیز می‌تواند سیستم دفاع یا حمله را به لحاظ تکنیکی حمایت کند، همچنین استفاده از بستر طبیعی زمین (مثل شیب زمین یا توپوگرافی محل یا خندق‌های طبیعی ایجاد شده در دل زمین) یا ساحل دریاها و ... از دیگر عناصر استحکامات شهری که وی برخی از آنها را مشاهده و معزیز کرده، محسوب می‌شوند. تزئینات این استحکامات و اجزای آن نیز در تحقق هدف ایجاد امنیت در شهر تأثیر بسزایی داشته است. وی از جنگ‌گاه‌ها و کنگره‌ها و قرارگیری عراده و منجیق به عنوان عنصر جنگی متصل به معماری استحکامات، و نیز جزء تزئینی آن مواردی را نام برده است.

منابع

امیرقاسمی، مینو (۱۳۸۲). «بازار در سفرنامه ناصرخسرو و احسن التقاسیم مقدسی». فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی (علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز). شماره ۱۲. ص ۵۰-۳۵.

انوری، حسن (۱۳۸۳). فرهنگ روزسخن. تهران: سخن.

بهار، محمدتقی (۱۳۶۹). سبک‌شناسی. جلد دوم. تهران: امیرکبیر.

بهشتی، سیدمحمد؛ قیومی بیدهندی، مهرداد (۱۳۸۸). فرهنگ‌نامه معماری ایران در مراجع فارسی. جلد اول. تهران: انتشارات متن.

تقوی، عابد (۱۳۸۹). «بازتاب تحولات اجتماعی در ساختار فضایی شهر قدیم گرگان در دوران

- ناظم الاطباء (۱۳۱۸). فرهنگ نفیسی. تهران: خیام.
- نشاط، سید محمد (۱۳۹۸). شمار و مقدار در زیان فارسی. تهران: امیرکبیر.
- نظری، جلیل (۱۳۸۴). «جهان‌بینی ناصر خسرو».
- فصلنامه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. دوره بیست و دوم. شماره سوم.
- Burdasın, Sen (2013). Bitlis telefon kodu. www.ogrensek.com
- www.sehirler.net (29/4/2013)
- صاحب، غلامحسین (۱۳۵۶-۱۳۴۵). دائرة المعارف فارسی. تهران: فرانکلین.
- معین، محمد (۱۳۵۶). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
- ملکی، خلیل (۱۳۵۸). فرهنگ اصطلاحات اجتماعی و اقتصادی. تهران: رواق.
- ناصرخسرو (۱۳۵۶). سفرنامه. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: انجمن آثار ملی.
- _____ (۱۳۵۴). سفرنامه. به کوشش نادر وزین پور. تهران: فرانکلین.

